

طبیعت در قاب دیوارنگاره‌های خیابان ولی عصر تهران برآمده از هویت محیط یا نگرشی صرفاً تزئینی؟ ارزیابی حضور و جایگاه طبیعت در دیوارنگاره‌ها در پیوند با هویت محیطی بستر آثار

سینا ناصری*

دکترای معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

ندا بوعلی زاده رستمی

کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده | اولین ردّ تغییر ساختارهای زندگی ناشی از تحولات دنیای جدید در شهر، در جدافتادگی انسان از محیط طبیعی پیرامون او پدیدار شد. مترتب بر آن، بخشی از جبران این خلأ به‌ویژه در ارتقاء کیفیت زندگی شهری و در راستای ارتباط میان این دوگانه فوق، بر عهده توانایی‌های هنر گمارده شد. در این میان، دیوارنگاری از جمله کارآمدترین هنرهای شهری است که بیش‌تر با مخاطب عمومی سروکار داشته و به‌عنوان یک اثر هنری در شهر در تلاقی شرایط بستر اثر، ذهنیت و برداشت هنرمند و ادراک مخاطب شکل می‌یابد. از میان تعداد نامتناهی موضوع متنوع نقش‌بسته بر دیوارهای شهر، «طبیعت» به‌عنوان یک رکن منظرین با تأکید و تکیه ویژه خود بر ذهنیت جامعه مخاطب و جاری شدن در اندیشه و ناخودآگاه جمعی مخاطبان، یکی از نقش‌آفرینان اصلی موضوع دیوارنگاره‌ها به‌شمار رفته که جایگاه و ارتباط آن با ذهنیت و مطالبه شهروندان به‌درستی تبیین نشده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که پس از نضج‌یافتن رویکرد تزئینی در نگاه متولیان هنر دیوارنگاری، طبیعت و ارکان آن در دیوارنگاره‌های شهری تهران به‌ویژه در خیابان ولی عصر بیش‌تر مبتنی بر بهره‌مندی از اصول رویکرد تزئینی در نمایش آثار بوده و به دور از پیوند با محیط بصری و الهام از هویت منظرین بستر، به‌عنوان محمل تجربه زیسته طبیعت‌گرا در ذهنیت شهروندان شکل گرفته است.

واژگان کلیدی | دیوارنگاری، طبیعت، منظر شهری، خیابان ولیعصر (عج).

متأثر از ذائقه و نیاز شهروندان و از سوی دیگر متأثر از اراده سامان‌بخشی متولیان به منظر شهر است. طبیعت یکی از موضوعاتی است که به‌کارگیری آن امروزه به‌واسطه تغییر در ساختار زندگی شهری و پیوند وثیق آن با زندگی انسان، در هنر شهری مطرح و حضورش احساس می‌شود. اگر دیوارنگاری را هنری در خدمت آرایش بهینه شهرها قلمداد کنیم این هنر ضمن تلطیف فضا، عناصر عینی-واقعی و انتزاعی را در گستره قاب تصویر درهم می‌آمیزد. به بیانی عامل بنیادین چگونگی خلق نقاشی دیواری، فضا و محیطی

مقدمه | جایگاه طبیعت به‌عنوان یک رکن منظرین از بیان تصویری و بازنمایی آن در قاب دیوارنگاره‌ها در خیابان ولی عصر تهران چه نسبتی با شرایط محیطی این خیابان هویتی در شهر تهران برقرار کرده است؟ دیوارنگاره به‌مثابه یک متن غیرکلامی، آوردگاه ریشه‌دارترین تعامل بصری انسان با کالبد شهر است که علاوه بر تلقی به‌عنوان هنر شهری در انتقال مفاهیم خاص در شهر نیز نقش‌آفرین است. مفاهیمی که گاه از یک سو برگرفته و

* نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۷۳۱۷۲۴۹ Sina.naseri.archi@gmail.com

رویگرد، ساختار شدیداً بر محتوا ارجحیت داشته و منظره طبیعی به‌هیچ‌وجه با محیط بصری و مفهومی خود رابطه برقرار نمی‌کردند (همان، ۱۰۹).

دومین دوره ارتباط دیوارنگاری با طبیعت، رویکردی است که از سال ۱۳۷۵ در دستور کار متولیان قرار گرفته و عمدتاً نقوش منظره و تزئین نقاشی ایرانی که متشکل از ارکان طبیعی نیز بودند با رعایت اصول زیبایی‌شناسانه و با هدف تزئین در فضاهای شهری به‌کار گرفته شدند. این روند تا پایان دهه نود شمسی ادامه داشت (پوربخش، ۱۳۹۲).

خیابان ولی‌عصر تهران یکی از اولین خیابان‌های همگام با روند مدرنیزاسیون و با نگرشی دستوری در شهر تهران، با ضوابط از پیش تعیین‌شده و مدیریت شهری علاوه بر نقش ارتباطی و مورد توجه‌بودن به‌عنوان یک رکن ساختاری در سازمان فضایی شهر، به‌واسطه شرایط خاص جغرافیایی و طبیعی، به‌عنوان یک میراث طبیعی شهری به‌شمار می‌آید (آتشین‌بار، ۱۳۹۱، ۱۵). فارغ از کارکرد امروزی خود، به‌واسطه هویت تاریخی و جریان طبیعت‌محور خود، یکی از مهم‌ترین خیابان‌های تهران به‌شمار رفته که همواره به‌عنوان نقطه کانونی و پیش‌قراول فعالیت‌های هنری در شهر مورد توجه بوده است که نمود هنر دیوارنگاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این وجود پژوهش‌ها به نسبت دقیق طبیعت و میزان حضور آن در بطن خیابان ولی‌عصر تهران نپرداخته‌اند و لذا در این پژوهش نگارندگان با تقسیم‌بندی این خیابان به سه محدوده اصلی از جنوبی‌ترین نقطه تا شمالی‌ترین نقطه آن ذیل سه محدوده:

۱. میدان راه‌آهن تا میدان ولی‌عصر
۲. از میدان ولی‌عصر تا میدان ونک
۳. از میدان ونک تا میدان تجریش

به بررسی آثار و ارتباط آن با موضوع طبیعت پرداخته‌اند.

محدوده اول: میدان راه‌آهن تا میدان ولی‌عصر (عج)

در جنوبی‌ترین بخش خیابان ولی‌عصر، به تعداد انگشت‌شماری دیوارنگاره برخورد خواهیم کرد که علت آن را می‌توان متأثر از عوامل متعددی دانست.

بافت متراکم شهری، پلاک‌های ریزدانه که در حاشیه خیابان عمدتاً به تجاری‌های خردمقیاس اختصاص یافته‌اند، امکان چندان برای به‌منصه ظهور رسیدن دیوارنگاری‌ها بر بستر دیوار بر جای نگذاشته‌اند. علت این امر از یک سو عدم وجود شرایط مطلوب بستر به‌منظور خلق اثر، از حیث وجود دیوارهای مناسب شهری و اختصاص آن به این آثار هنری بوده است.

لایه دوم بررسی آثار به‌نوعی غلبه دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی را در این بخش از خیابان نشان می‌دهد. به بیانی بافتار سنتی اجتماعی این منطقه به شکل‌گیری آثاری با رنگ

است که این تصویر در آن به نمایش درآمده و بستر خوانش مخاطب را محقق می‌سازد.

دیوارنگاری از واژگان رایج در هنر ایران است. در منابع و دایره معارف فارسی، به لحاظ معنا و محتوا، دیوارنگاری معادل واژه «Mural painting» در زبان لاتین تعریف شده است (علوی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۲۰). تفاوت عمده دیوارنگاری با نقاشی بر روی بوم، ارتباط آن با فضای اطراف خود و بستری است که نقاشی روی آن انجام می‌پذیرد. آنچه که نقاشی دیواری را یا بهتر بگوییم نقاشی را از نقاشی دیواری جدا می‌سازد، تفاوت میان بستر منقول و غیرمنقول، مستقل و وابسته و بالاخره بی‌تعهد این دو قاب هنری، یعنی بوم و دیوار است (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۳، ۶۹-۷۰). لذا می‌تواند به‌عنوان یک رسانه قدرتمند در انتقال مفاهیم ایفای نقش کند.

از سوی دیگر طبیعت به‌عنوان محمل زندگی انسان توان نقش‌آفرینی در زیبایی‌شناسی منظر را نیز داراست و این مهم به‌عنوان یک رکن اصلی ارتقاء کیفیت زندگی شهری به‌ویژه در دورانی که دغدغه مسائل زیربنایی و ابتدایی برای زندگی در شهرها از بین رفته و توجه به چگونگی افزایش کیفیت زندگی شهری از جمله زیبایی و راهکارهای دستیابی به آن بیش‌ازپیش مطرح و اهمیت دوجندانی می‌یابد (منصوری، ۱۳۸۹). از سوی دیگر طبیعت به‌عنوان یک قالب هنری به‌ویژه در دیوارنگاری از بدو زندگی انسان همواره مورد بحث بوده است^۱. بنابراین می‌توان چنین در نظر آورد که دیوارنگاره‌های شهری علاوه بر آن که به‌عنوان بخشی از کالبد مصنوع، در جریانی طبیعی، بازتاب فرهنگ شهر هستند، هم‌چون رسانه‌ای مؤثر، پیام خود را مستقیم بر جان و ذهن شهروندان می‌نشانند (پاکزاد، ۱۳۹۲، ۴). اما آن که این رسانه عظیم شهری در محتوا چه میزان اثر را در پیوند با هویت محیط و بستر به مخاطب خود ارائه می‌کنند نیز نکته‌ای است که باید بدان توجه داشت.

بدنه نقد

شروع حضور طبیعت به‌عنوان موضوع اصلی دیوارنگاره‌ها در شهر را می‌توان هم‌زمان با جریانی موسوم به رویکرد دیوارنگاری تزئینی و منظره‌نگاری در دوره پس از سال‌های ۶۷ تا ۷۵، پس از جنگ و تحت نظارت سازمان زیباسازی شهر تهران دانست (پوربخش، ۱۳۹۲).

در این زمان برای اولین بار پس از انقلاب، گرایش مجدد به تزئین و زیباسازی در دیوارنگاری شهری مشاهده شد و اولین دیوارنگاره‌های تزئینی و منظره‌نگاری دیواری این دوره به‌منظور زیباسازی و شاداب‌سازی فضای شهری توسط سازمان زیباسازی طراحی و اجرا شد (کفشچیان مقدم و رویان، ۱۳۸۶، ۱۰۸). اما علی‌رغم این توجه و حضور، در این

اثر «پدیدار و محقق شده است. هم‌چنان که دانه‌بندی بافت شهری و بازبودن بدنه‌های شهری - مهیا بودن بستر هنر - در کنار تراکم طبیعی، به همبستگی محتوا و ساختار به صورت توأمان منجر و به مخاطب عرضه شده است، آن‌چنان که انقطاع کم‌تری میان آن‌ها وجود داشته باشد. نتیجه این‌که در این محدوده از خیابان «طبیعت» از موضوعی منتزع از هویت و ساختار فاصله گرفته و سعی شده است که آثار، تحت تأثیر ساختار و پیوندهای هویتی بستر، در «موضوع»، «محتوا» و بستر پردازش شوند.

محدوده سوم: از میدان ونک تا میدان تجریش

محدوده سوم و پایانی خیابان ولی عصر در شمالی‌ترین بخش خود شرایط متفاوتی نسبت به دو محدوده دیگر دارد. با نگاهی به دیوارنگاره‌های این بخش می‌توان بیان داشت که عواملی هم‌چون شرایط جغرافیایی محدوده در کنار «شیب خیابان» و هم‌چنین دانه‌بندی درشت‌مقیاس شهری مانند پارک ملت، سازمان صداوسیما و چند مرکز درمانی و مجموعه‌های تجاری به‌عنوان عوامل محدودکننده بستر اثر بر مؤلفه تعداد دیوارنگاره‌ها تأثیرگذار بوده است. هرچند که علی‌رغم محدودیت‌های ذکرشده یکی از بزرگ‌ترین دیوارنگاره‌های خیابان ولی عصر را می‌توان در جداره شرقی پارک ملت در این محدوده مشاهده کرد. در این اثر، هنرمند امتداد نمود طبیعت را در ساختار شهری به تصویر کشیده است و به‌نوعی وجوه ذهنی و عینی را با یکدیگر درآمیخته و به نمایش می‌گذارد. در کنار عوامل مذکور، تراکم عناصر طبیعی در این محدوده بیش‌تر از محدوده اول و کم‌تر از محدوده دوم و محتوای بیانی این محدوده، ترکیبی از نمایش واقع‌گرایانه و انتزاعی است. در چنین شرایطی طبیعت با تکثر، تنوع و پراکندگی نحوه بیان و نمایش طبیعت در قالب‌های مختلف، صرفاً با رویکرد تزئینی خود در دیوارنگاره‌ها حضور داشته و محتوای این آثار کم‌تر با هویت موجود در بستر (خیابان) ارتباط می‌یابد. هم‌چنان که این گسست میان محتوا و ساختار آثار نیز مشهود به نظر می‌رسد (تصویر ۲).

نتیجه‌گیری

در اندیشه آیین ایرانی، طبیعت‌گرایی، آمیختگی و کشش ذهنی انسان به‌سوی طبیعت به‌صورت فطری ریشه در باورهای کهن و باستانی، تقدس عناصر طبیعی نزد آن‌ها دارد. روندی که پس از ظهور اسلام هیچ‌گاه منقطع نشده و این مؤلفه به‌عنوان یک رکن هویتی در آثار هنری پس از اسلام نیز مشاهده می‌شود. بر این منوال، معماری و نقاشی از دیرباز تاکنون با این اعتقاد به آفرینش‌های هنری پرداخته است (جواد، ۱۳۸۳، ۳۱).

و بوی موضوعات اعتقادی منجر شده است و محتوای آثار به هم‌نشینی تصاویر شهدا با طبیعت سوق داده شده است که در آن‌ها حضور طبیعت به‌واسطه نقش آیینی و قالب نقش نمادین آن‌ها است که از دو وجه واقع‌گرایانه و انتزاعی در نمایش طبیعت به‌عنوان بیانی از «آیه» و نشانی از صورت تمثیلی بهشت و جایگاه شهیدان در آن بهره‌جسته است؛ لذا دیوارنگاره‌ها بیش از آن‌که بیانی از غلبه حضور طبیعت باشند در محتوای اجتماعی استحاله یافته‌اند. در دیگر وجه در کنار بافت متراکم در لبه این بخش از خیابان (جنوبی‌ترین محدوده) از تراکم بافت طبیعی درختان کاسته شده و انقطاع میان مؤلفه‌های طبیعی و میل به بازنمایی آن‌ها در قاب آثار به‌واسطه عدم وجود ما به‌زای عینی ارکان طبیعی چندان هدف متولیان نبوده است و این مهم را می‌توان نمودی از گسست تأثیرپذیری محتوا از هویت محیطی در نظر آورد. متولیان در این محدوده نتوانسته‌اند پیوند خویش با طبیعت را در محتوا، ساختار و ارتباط با محیط بصری برقرار سازند.

محدوده دوم: از میدان ولی عصر (عج) تا میدان ونک

محدوده میانی خیابان ولی عصر شرایط متفاوتی نسبت به محدوده جنوبی آن دارد، تفاوت از آن جهت است که در حرکت از نقطه اول این محدوده به سمت بخش‌های شمالی، بر تعداد آثار، تدریجاً افزوده می‌شود. تغییر شرایط بافت شهری و تراکم پلاک‌های حاشیه خیابان در این ناحیه از یک سو و ساختار بازتر بدنه شهری از سوی دیگر امکان بیش‌تری به‌منظور به تصویر کشیدن آثار در این محدوده فراهم آورده است. هم‌چنین در این محدوده با کاهش تراکم کالبدی، حضور طبیعت در قاب تصویر نیز شرایط متفاوتی یافته است. بدین‌صورت که در این محدوده، تراکم ارکان طبیعی در حاشیه خیابان نسبت به محدوده اول به‌مراتب بیش‌تر بوده و به‌نوعی شاهد استمرار حضور عینی طبیعت در این محدوده بوده‌ایم. وجه دیگر در تحلیل آثار، توجه به ساختار توپولوژیک این محدوده از خیابان است. ساختار مبتنی بر شیب نسبتاً زیاد در بخش‌هایی از این محدوده - شیب طولی و شیب عرضی - و به‌تبع آن ایجاد بستر شهری مناسب جهت پرداختن به دیوارنگاره‌ها یکی دیگر از عوامل تعدد آثار در این محدوده است. بر همین اساس هنرمند با توجه به ساختار طبیعی موجود در خیابان، مؤلفه طبیعت را دست‌مایه اصلی آثار خویش قرار داده است (تصویر ۱).

این تراکم و حضور، علاوه بر تعداد آثار بر محتوای آنان نیز تأثیرگذار بوده است. به‌نوعی که سعی شده است همبستگی حضور طبیعت واقع و نمود آن در قالب هنری و روایتگری آن را در محدوده مورد توجه قرار گیرد. این مهم از طریق نحوه بازنمایی مؤلفه طبیعت در قالبی واقع‌گرایانه و به‌عنوان «متن



تصویر ۱. بخشی از آثار محدوده دوم که محتوا و شکل دیوارنگاره‌ها متأثر از نیاز به حفظ استمرار طبیعت قالب واقع‌گرا به خود گرفته و طبیعت در آن به‌عنوان موضوع اصلی مطرح شده است. عکس: سینا ناصری، ۱۴۰۲.

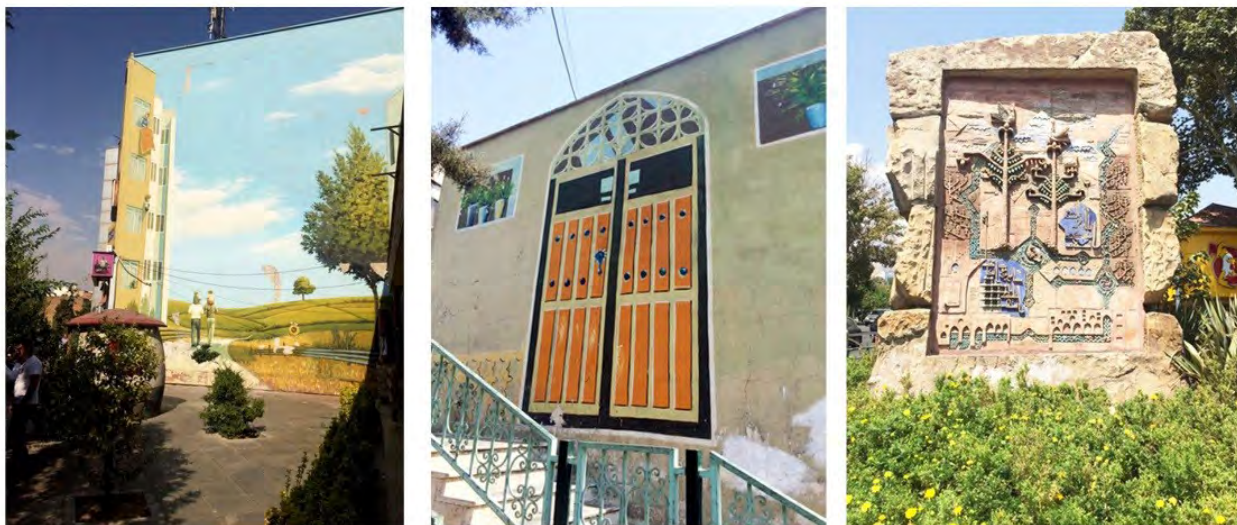
ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

غلبه نگرش تزئینی دیوارنگاره‌ها در شهر تهران و بهره‌مندی از اشکال و مضامینی که به تلطیف بصری دیوارهای شهری، منجر شد، طبیعت را در کانون توجه قرار می‌دهد که این امر را باید ذیل دو محور سبقت نگرشی ایرانیان به طبیعت و تقدس و احترام به آن و پیوند وثیق این نگرش بستر خلق اثر و آثار خلق‌شده در خیابان منظرین تهران که در آن طبیعت با جغرافیای ذهنی شهروندان، تجربه‌ای زیسته را رقم زده است، جست‌وجو کرد.

شوربختانه متولی هنر دیوارنگاری شهری در شهر تهران رکن «طبیعت» را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بیانی هنر قلمداد کرده بدون آن که بر لزوم ارتباط محیط بصری محتوای برآمده از بستر آن پایبند باشد. بستری که به لحاظ هویتی، اجتماعی و منظرین خود، نمونه‌ای است که کم‌تر می‌توان بدیلی برای آن متصور بود (تصویر ۳).

از آنجایی که هنرمند استعاره خود را برای خلق اثر از محیط فرامی‌گیرد. خلق پذیرش و اقبال عمومی آثار بدون پیوند با عوامل موجود در بستر محیط ناقص و ابتر می‌کند. نگاهی به آثار دیوارنگاره‌ها در خیابان ولی‌عصر مبین آن است که کمیت و کیفیت آثار در این خیابان متأثر از عوامل گوناگونی است. اما این‌که متولی این آثار در موضوع «بازنمایی طبیعت» نتوانسته‌اند محتوا و ساختار را در قالب یک کل همبسته در پیوند با هویت بستر شکل دهند جای تردید بسیاری وجود دارد. هرچند که دیوارنگاره‌ی راوی در خیابانی که هویت خود را وامدار ساختار طبیعی است، به سمتی میل پیدا کرده است که تا حد ممکن خلأ نقص عدم حضور در طبیعت از دست‌رفته را از طرق مختلف مانند ارائه از طریق ما به‌زای ذهنی آن در قاب هنر مرتفع نماید (جدول ۱). اما بدون تردید این نگرش صرفاً صوری و مترتب بر رویکرد تزئینی است.

طبیعت در قاب دیوارنگاره‌های خیابان ولی عصر تهران برآمده از هویت محیط یا نگرشی صرفاً تزئینی؟



تصویر ۲. دیوارنگاره‌های محدوده شمالی خیابان ولی عصر متأثر از بافت شهری این محدوده و به تاسی از تغییر ماهیت کارکردی خیابان و تبدیل به پهنه تجاری نسبت به نمونه مشابه (محدوده دوم) تقلیل یافته است. عکس: سینا ناصری، ۱۴۰۲.



تصویر ۳. بررسی ارتباط و تأثیر حضور ارکان عینی طبیعت در محدوده و نحوه بیان و بازنمایی آن در قاب دیوارنگاره‌ها. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. بررسی تطبیقی ساختارهای شکل‌دهنده آثار و نحوه تأثیر و تأثر متقابل آن‌ها بر کمیت و کیفیت دیوارنگاره‌ها. مأخذ: نگارندگان.

محدوده	شرایط کالبدی-محیطی	میزان نمود عینی مؤلفه‌های طبیعی	کمیت دیوارنگاره‌ها با موضوع طبیعت	نحوه حضور طبیعت	نحوه بازنمایی کلی
محدوده اول: میدان راه‌آهن تا میدان ولی‌عصر	-متراکم با شیب کم -عدم وجود بستر مناسب برای بروز هنر محیطی به‌ویژه دیوارنگاری	-نسبتاً کم به‌واسطه تغییر در ساختار خیابان در محدوده	-با تعداد کم	-عمدتاً حاشیه اثر	-انتزاعی
محدوده دوم: میدان ولی‌عصر تا میدان ونک	-ساختار باز منطبق بر خطوط تراز -بستر مناسب برای هنر محیطی به‌ویژه دیوارنگاری	-نسبتاً زیاد ساختار باز شهری در کنار لکه‌های سبز درشت‌مقیاس	-با تعداد بالا	-عمدتاً متن	-عمدتاً واقع‌گرا
محدوده سوم: میدان ونک تا میدان تجریش	-ساختار با تراکم متوسط	-متوسط	-تعداد متوسط	-عمدتاً حاشیه در خدمت بیان سایر مفاهیم	-عمدتاً انتزاعی

پی‌نوشت‌ها

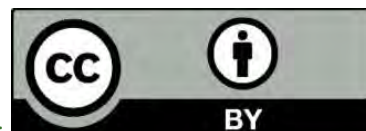
۱. نقاشی‌های غاری را می‌توان از اولین نمودهای حضور طبیعت و ارکان آن در بستر زندگی انسان دانست و از میان آن‌ها به نقاشی‌هایی هم‌چون نقاشی غارهای لاسکو، آلتامیرا و ... اشاره کرد.

فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۱). زیباشناسی منظر خیابان‌های تهران؛ سیاست‌های زیباسازی خیابان‌های تهران در چهار دوره تاریخی. منظر، ۴(۱۹)، ۱۲-۱۹.
- پاکزاد، احمد. (۱۳۹۲). درآمدی بر نقش دیوارنگاره‌ها در هویت شهری انسان‌گرا. پژوهش هنر، ۱۱(۱)، ۴-۵.
- پوربخش، معصومه سادات. (۱۳۹۲). روند تحولات دیوارنگاری‌های معاصر شهر تهران با رویکرد بررسی نقش سازمان‌های متولی. پژوهش هنر، ۱۱(۱)، ۱۴۳-۱۵۲.
- جواد، شهره. (۱۳۸۳). منظرپردازی در نگارگری ایران. باغ نظر، ۱۱(۱)، ۲۵-۳۷.
- علوی‌نژاد، محسن. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم دیوارنگاری در منابع هنر اسلامی. نگره، ۴(۷)، ۱۹-۲۹.
- کفشچیان مقدم، اصغر. (۱۳۸۳). بررسی ویژگی‌های نقاشی دیواری. هنرهای زیبا، ۲۰(۲۰)، ۶۷-۷۸.
- کفشچیان مقدم، اصغر و رویان، سمیرا. (۱۳۸۶). بررسی دیوارنگاری معاصر تهران (قبل و بعد از انقلاب). هنرهای زیبا، ۳۳(۳۳)، ۱۰۳-۱۱۴.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). نشست تخصصی زیبایی‌شناسی منظر شهری، تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران با همکاری پژوهشکده نظر. تهران، ایران.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ناصری، سینا و بوعلی‌زاده رستمی، ندا. (۱۴۰۳). طبیعت در قاب دیوارنگاره‌های خیابان ولی‌عصر تهران برآمده از هویت محیط یا نگرشی صرفاً تزئینی؟ ارزیابی حضور و جایگاه طبیعت در دیوارنگاره‌ها در پیوند با هویت محیطی بستر آثار. منظر، ۱۶(۶۶)، ۶۴-۶۹.



DOI: 10.22034/MANZAR.2023.403135.2250

URL : https://www.manzar-sj.com/article_185019.html